

رفتار شناسی مؤمن کامل در کلام پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله

(تحلیل موردی یک حدیث)

حسین طاهری وحدتی^۱

چکیده

پیوستگی ایمان و عمل، از آموزه‌های اساسی قرآن و روایات است. خاستگاه این مهم دو چیز است:

۱. پیشگیری از به وجود آمدن برداشت‌های انحرافی در ماهیت ایمان؛ ۲. تثبیت و ترویج فرهنگ عمل‌گرایی.

جدای از مباحث کلامی در معرفت‌شناسی ایمان، در فضای روایات پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم‌السلام، ایمان با عمل تلازم جدی دارد و اینکه عمل، بستری کمال‌یافتگی ایمان و افزایش تاثیرگذاری آن است. مورد نمونه در این خصوص، روایتی نقل شده از حضرت رسول صلی الله علیه و آله درباره نشانه‌های ایمان کامل است. همه این نشانه‌ها، مبنای فرضیه این نوشتار است که: ایمان در ساحت عمل (اعم از عمل ذهنی و اقدام به انجام یک کار) کمال می‌یابد و انسان مؤمن در همه ابعاد، به یک اعتدال منطقی و رفتاری دست پیدا می‌کند؛ به گونه‌ای که تمام حرکات و اندیشه‌های او حکمت‌آمیز جلوه می‌کند. روش پژوهش از نوع تحلیل محتوا و توصیف گزاره‌های روایت است.

کلیدواژه‌ها: ایمان و عمل، ایمان کامل، عمل‌گرایی، مؤمن کامل، رفتارشناسی مؤمن، نشانه‌های مؤمن.

Hosaint804@gmail.com

۱. پژوهشگر بنیاد پژوهش‌های اسلامی - نشریه مشکوة

دریافت: ۱۳۹۳/۹/۱۲ - پذیرش: ۱۳۹۳/۱۱/۲۰.

بحث ایمان^۱ و شناخت مؤمن، یکی از مقوله های اصولی و اساسی در حوزه معرفت دین است. تمام هویت انسان مسلمان، ایمان و اعتقاد او به اصول و فروع است. نحوه استقرار ایمان در ذهن و عمل مؤمن، ملاک درجه و میزان آن است. آیات و روایاتی که در باب ایمان و مؤمن است، در واقع نوعی نشانه شناسی^۲ و بیان معیار است. در اینجا به عنوان تبرک به صورت مختصر چند آیه را مرور می کنیم:

۱. ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ﴾ (حجرات/۱۰) - (توصیه به زیباترین رابطه اجتماعی؛ یعنی برادری ایمانی).

۲. ﴿أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالذِّينِ * فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ * وَلَا يَحْضُ عَلَى طَعَامِ الْمُسْكِينِ﴾ (ماعون/۱-۳) - (رابطه باورمندی به دین با شاخص های گرامیداشت یتیم و

۱. مسئله ایمان و تعریف آن در تاریخ نظام معرفتی اسلام، از مسائل کلیدی و مورد توجه جدی بوده و رویکردهای متفاوت به آن، نتایج گوناگون داشته است، به گونه ای که حتی رفتارهای سیاسی از آن متأثر می شده است. رویکرد شیعی که برگرفته از مکتب اهل بیت علیهم السلام می باشد، شاخص ترین آنهاست؛ چون از طریق امام معصوم هدایت می شود. در اینجا فقط یک روایت را که از نوع حدیث سلسله الذهب و به حدیث ایمان معروف است، ذکر می کنیم. راوی آن اباصلت، از امام رضا علیه السلام نقل می کند که آن حضرت کلامی را در تعریف ایمان از پدر بزرگوار خود تا پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نقل فرمود که ایمان عبارت است از: قول و عمل (صدوق، عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۴۶۶).

۲. نشانه شناسی با هر چیزی که بتوان آن را نشانه دانست، سرو کار دارد (تعریف اکو). برای اطلاع بیشتر بنگرید به: قائمی نیا، علیرضا، بیولوژی نص، ص ۴۲.

۳. پیامبر می فرماید: «لا یکمل المؤمن ایمانه حتی یحتوی علی مائة و ثلاث خصال ... فقال امیر المؤمنین علیه السلام: یا رسول الله ما المائة و ثلاث خصال؟ فقال: یا علی من صفات المؤمن ان یکون جوال الفکر، جوهری الذکر... (مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۶۴، ص ۳۱۰-۳۱۱) یادآور می شود: تعداد محدودی از فقرات این روایت بعینه و پاره ای از مضامین آن با قالب الفاظ متفاوت، در خطبه شماره ۱۹۳ نهج البلاغه، معروف به متقین، آمده است. (نهج البلاغه، ترجمه سید جعفر شهیدی، ص ۱۹۳).

ترغیب به اطعام مسکین).

۳. ﴿يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَأْتُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ ...﴾ (آل عمران/۱۱۴). (نقش ایمان در انگیزش مسئولیت در اصلاح اجتماعی و شتاب در کارهای نیک) موضوع اصلی این نوشتار، تحلیل محتوای روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در باره ایمان است که آن حضرت، ۱۰۳ نشانه برای ایمان کامل ذکر می‌کند.^۳

معرفی روایت

این روایت را مرحوم مجلسی در بحار الانوار به نقل از کتاب التمهیص اسکافی (م ۳۳۶ ق.) ذکر می‌کند. علاوه بر این در کتاب‌های الغارات (م ۲۸۳ ق.)، مستدرک سفینه البحار، مقدمه فی اصول الدین (وحید خراسانی) و جامع احادیث الشیعه (بروجردی)، آمده است.

در این نوشتار با روش تحلیل محتوا، اهداف و مفاهیم متن روایت بررسی می‌شود. به نظر نگارنده برآیند کلی و جامع همه این ویژگی‌ها، عبارت است از: انسانی با نگرش توحیدی و آراسته به اخلاق حکیمانه.

در متن روایت، بخش قابل ملاحظه‌ای از جملات و کلمات، به حوزه تعاملات اجتماعی و حقوق فردی مربوط می‌شود.

هدف روایت: در این روایت نشان داده شده که ایمان در حوزه عمل، کمال می‌یابد و تنها یک امر ذهنی و درونی نیست. نکته مهم تر اینکه همه نشانه‌ها، از یک رابطه نظام مند برخوردار هستند و از یکدیگر تأثیر پذیری دارند.

کارکرد روایت: توجه به این روایت می‌تواند بسیاری از چالش‌های زندگی اجتماعی و فردی را حل کند، چشم حقیقت یاب و ذهن واقع‌نگر به ما بدهد، معرفت دینی ما را نسبت به مسائل پیرامونی افزایش دهد و موانع تحقق یک جامعه سالم و کم تنش در همه حوزه‌ها را برطرف سازد.

پیشینه

جدای از مباحث و کارهای انجام شده در مقوله ایمان در ابعاد مختلف، در خصوص این روایت حسب تفحصی که انجام شد، تا کنون نوشتاری تحلیلی صورت نگرفته است؛ به جز نوشته‌های ترجمه‌ای و پراکنده در محیط اینترنت و چند جلسه مربوط به توضیحات آیه‌الله ناصر مکارم شیرازی در برخی از عبارات‌های حدیث که در آثار ایشان با عنوان مکارم خوبان یاد شده است، ولی ظاهراً نسخه چاپی ندارد.

تحلیل گزاره‌های روایت

همه نشانه‌ها (اعم از سلبی و ایجابی^۱) را در دو بخش نشانه‌های درونی و باطنی و نشانه‌های بیرونی و رفتاری می‌توان دسته‌بندی نمود. صفات درونی مؤمن به او کمک می‌کند تا به هنگام تصمیم‌گیری و مدیریت رفتاری، نیکوترین روش را برای طرح یک موضوع یا یک مسئله، انتخاب نماید. و صفات بیرونی، بازتاب‌دهنده اندیشه و احساس مؤمن نسبت به محیط و انسان‌هایی است که به گونه‌ای با او مرتبط می‌شوند.

۱- **جَوَالَ الْفِکْر (تفکر پویا و کارآمد):** بهره‌مند بودن از تفکری زنده و خلاق؛ یعنی کار بستِ فکر و اندیشه در واگشایی مسائل زندگی برای پیدا کردن راهکارها و بازکردن گره‌های کور و پیچیده آن و دست‌یابی به شدن‌های مثبت. «جَوَالَ» صیغه مبالغه است و برکثرت و تکرار دلالت می‌کند. انسان مؤمن از نعمتِ خدادادِ عقل و تفکر، با به کارگرفتن آن، کارآمدترین بهره را می‌گیرد.

۲- **جَوْهَرِی الذِّکْر (ذکر ذاتی و حکیمانه):** مؤمن کمال یافته بر اساس فطرت الهی، با تمام وجود به یاد خداست؛ تنها زبان او ذکر نمی‌گوید، بلکه همه آنچه از او سر می‌زند، می‌اندیشد و در تصور او درمی‌آید، مصداقی از یاد خداوند است. در واقع یک نظم‌آهنگ و تعامل خاصی میان ذهن، عمل و سخن مؤمن وجود دارد که مجالی در زندگی او برای

۱. شایان یادآوری است که عبارت فارسی نهاده شده در برابر فقرات روایت، الزاماً ترجمه مطابقی نیست.

غیرخدایی بودن، باقی نمی گذارد.

۳- **كَثِيرًا عِلْمُهُ (دانش فراوان):** مؤمن به دنبال کسب دانش و دانایی در بالاترین مرتبه است. در فراگیری به کم بسنده نمی کند. از همه شاخه های علم که او را برای رسیدن به یک وضعیت مطلوب کمک می کند، بهره می گیرد. در ذات مؤمن، دانایی و ایمان، به عنوان دو عامل حمایتی برای متعالی شدن انسان، همواره در فرایند کمال قرار دارند. دامنه دانایی مؤمن، حوزه عمل او را گسترده می کند.

۴- **عَظِيمًا جِلْمُهُ (بردباری در افاق بالا):** یاد کرد صفت عظیم برای حلم، اشاره به این نکته است که انسان مؤمن در صفت حلم و بردباری، در بالاترین سطح قرار دارد و با نگاه واقع بینانه به امور زندگی در دنیای پیچیده به بلاها، روابط خودش را با محیط اطراف خود تنظیم می نماید. عوامل برهم زننده بردباری را مهار می کند؛ خشم را فرومی نشاند و به جای آن، به دیگران محبت می کند.

۵- **جَمِيلَ الْمَنَازَعَةِ (کشمکش نیکو):** ایمان مؤمن به او توانایی می دهد تا در منازعات و کشمکش ها که پاره ای از موارد ناخواسته سراغ انسان می آید، از جاده انصاف و اعتدال خارج نشود. این جدال نیکو، باز خوردش آن می شود که دیگران یاد بگیرند تا در شرایط غیرعادی هم می توان با درایت و تحمل، از ناگواری های بزرگ، پیشگیری کرد.

۶- **كَرِيمَ الْمَرَاةَةِ (بزرگ منشی):**^۲ مومن در مراجعات (در معنای گسترده آن، از یک رفتار ساده تا پیچیده ترین آن)، با انسان ها، با مروت و جوانمردی رفتار می کند و از ضعف دیگران در درون خود، احساس غرور و برتری نمی کند؛ و خود نیز در مراجعه به دیگران کریمانه رفتار می کند. مصادیق آن را می توان: خوش رویی، خوش گمانی، آسان گیری، محبت ورزی، کارگشایی، راهنمایی درست و ... برشمرد.

۷- **أَوْسَعَ النَّاسِ صَدْرًا (سینه ای گشاده):** داشتن سینه ای گشاده و تاب آوری بالا، نشانه

۱. امام علی علیه السلام: دار بالبلاء محفوفة (نهج البلاغه، خطبه ۲۲۶).

۲. المراجعة: المعاودة، طریحی، مجمع البحرين، ج ۴-۳، ص ۳۳۵.

دیگری است که انسان مؤمن در رفتار خود با دیگران از آن برخوردار است. این صفت، حوزه ارتباطی او را با محیط اطرافش، وسیع می‌سازد. درک درست از زندگی ایمانی و توحیدی، این بینش را در وجود انسان مؤمن نهادینه می‌کند و او را از یک حوصله و تحمل فراخ، بهره‌مند می‌سازد.

۸- **وَ اَذْلَهُمْ نَفْسًا (خاکساری در رفتار):** روی دیگر صاحب اخلاق نیکو، ریاضت‌ها و تحمل چیزهایی است که تنها مؤمن با ایمان کامل، توانایی انجام آنها را دارد؛ از جمله رفتار متواضعانه که بدین سبب، پیوسته به دیگران نیروی مثبت منتقل می‌کند و یک میدان ارتباطی جذاب با دیگران فراهم می‌سازد.

۹- **ضَحْكُهُ تَبَسُّمًا (خنده نرم):** تبسم سنت پسندیده پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بود که بسیاری از مشتاقان خود را شیفته و دلداده خود می‌کرد؛ چه غم‌هایی که با دیدن تبسم ایشان از دل‌ها زدوده می‌شد و چه مصیبت‌زدگانی که با گشاده‌رویی آن عزیز عالم، یک‌سره غم‌های خود را به فراموشی می‌سپردند. انسان مؤمن، بخشی از ایمان خود را با تبسم بر روی دیگران با الگو برداری از سنت رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌نمایاند.

۱۰- **اجتماعه تَعَلُّمًا (علم آموزی):** نوع روابط و گرد آمدن مؤمن با دیگران، با هدف یادگیری و یاددهی، انجام می‌شود. این عالی‌ترین رابطه دو انسان یا انسان‌ها با یکدیگر است.

۱۱- **مُذَكِّرُ الْغَافِلِ مُعَلِّمُ الْجَاهِلِ:** ایمان کامل، انسان مؤمن را نگران غفلت و جهل هم‌نوعان خود می‌کند. او با دوروش یادآوری و آموزش، به انسان غافل و انسان ناآگاه، آنان را در مسیر درست زندگی قرار می‌دهد. این نشانه اهتمام به امور مسلمانان است.

۱۲- **لَا يُؤْذِي مَنْ يُؤْذِيهِ (پرهیز از مقابله به مثل):** ویژگی‌هایی که تاکنون برای مؤمن کامل برشمردیم، مانع از آن می‌شود که او نسبت به کسی حس انتقام‌جویانه داشته باشد؛ حتی الامکان سعی می‌کند از کسی که به او آزاری رسانده، بگذرد و مقابله به مثل نکند. چنین خصلتی دو کارکرد دارد: ۱. اینکه فرد را در مواجهه با آزار دیگران نمی‌شکند؛ ۲. این روش، اثربخشی دارد و چه بسا در عامل آزار رسان، یک دگرگونی ماندگار ایجاد کند.

۱۳- وَلَا يَخَوْضُ فِيهَا لِيَعْنِيَه (پرهیز از کارهای نامرتب): مؤمن چون هوشمند و زیرک است، مدیریت ذهن و رفتار دارد؛ زمان و فرصت‌های تکرار نشدنی را در حد عالی مدیریت می‌کند و به کارهایی که برای او فایده ندارد، وارد نمی‌شود. این صفت مؤمن به حوزه سبک زندگی او مربوط می‌شود؛ یعنی حضور کارساز و مؤثر ایمان در فرایند زندگی که پیوسته انسان را در مسیر انتخاب و کنش‌های گوناگون قرار می‌دهد.

۱۴- وَلَا يَشْمَتُ^۱ بِمُصِيبَةٍ (اجتناب از شادی در مشكل ديگران): عكس العمل ما در برابر افرادی که دچار مشکل یا خطایی می‌شوند، چگونه است؟ حس درونی مؤمن کامل در این گونه موارد، شادمانی نیست. پیامبر فرمود: «الذَّنْبُ شَوْمٌ عَلَى غَيْرِ فَاعِلِهِ إِنْ عَيَّرَهُ ابْتُلِيَ بِهِ وَإِنْ اغْتَابَهُ أَثِمَ وَإِنْ رَضِيَ بِهِ شَارَكَهُ»؛ گناه برای غیر گناهکار نیز شوم است: اگر گناهکار را سرزنش کند به آن دچار می‌شود، اگر از او غیبت کند گناهکار شود و اگر به گناه او راضی باشد، شریک وی است.^۲

۱۵- وَلَا يَذْكُرُ أَحَدًا بِغِيْبَةٍ (پرهیز از غیبت): ایمان مؤمن، سبب امنیت روح و جسم دیگران است. کسی از ناحیه رفتار انسان با ایمان آسیب نمی‌بیند، به ویژه در بُعد شخصیتی و آبرومندی؛ مسئله‌ای که متأسفانه بسیاری از افراد به آن اهمیت نمی‌دهند و به راحتی درباره خصوصیات دیگران در غیاب آنها صحبت می‌کنند و نمی‌دانند این سخن پراکنی‌ها، چه بسا فردی را از هستی اجتماعی ساقط کند.

۱۶- بَرِيئًا مِنَ الْمَحْرَمَاتِ (دوری از حرام): بی‌زاری جستن از کارهای حرام؛ یعنی مؤمن در یک مرحله استواری از ایمان قرار گرفته است که جذابیت‌های گناه، او را فریب نمی‌دهد و بدی عمل برایش تزئین نمی‌شود،^۳ اگرچه همه زمینه‌های آن فراهم باشد.

۱. الشَّمَاتَةُ مصدر شمت، به معنای شاد شدن در مصیبت دیگران است. (جبران مسعود، فرهنگ راند الطلاب، ص ۴۱۷).

۲. دیلمی، شیرویه، الفردوس بمأثور الخطاب، ج ۲، ص ۲۴۹؛ نهج الفصاحه، ص ۲۴۶.

۳. بنگرید به: فاطر/ ۸.

۱۷- واقفاً^۱ عند الشبهات (تأمل و تفهم در امور مشتبه): ایمان منطقی با پشتوانه عمل و انضباط ذهنی موجب می شود مؤمن واقعی، در مواجهه با موارد تردید برانگیز، تأمل کند و تصمیمی عاقبت اندیشانه اتخاذ نماید. این اقدام، یک روش پیشگیرانه است تا اینکه انسان در گمراهی قرار نگیرد و پشتوانه اصلی آن هم تفکر و تعقل زاینده است.^۲

۱۸- کثیر العطاء (بخشش فراوان): بخشش و بخشیدن یک حس درونی است که برای انجام آن باید فرایندی در ذهن بخشنده شکل بگیرد. صداقت و شفافیت ایمان، این فرایند را تسهیل می کند، ضمن آنکه همه ظرافت ها و اقدام انسانی و خداپسند را هم رعایت می کند؛ اینکه چرا می بخشد، چگونه می بخشد و نیت او در این کار چیست؟ به علاوه رعایت یک قاعده حکیمانه؛ یعنی نگاه داشتن اندازه در بخشش.^۳

۱۹- قَلِيلَ الْأَذَى (کم آزاری): عامل آزاررسانی به دیگران چیست و چرا عده ای از این عمل لذت می برند؟ پاسخ، عوامل متعدد است؛ از جمله مهم ترین آنها، کم دانایی و کم معرفتی است؛ یعنی ناآگاه بودن به پیامدهای آزاررسانی. شخص مؤمن خوب می داند رفتار انحرافی تأثیراتی ناگوار در شخصیت جسمی و معنوی انسان ها برجای می گذارد؛ از این رو سعی می کند عمدی به کسی آزار نرساند.

۲۰- عَوْنًا لِلْغَرِيبِ؛ ۲۱- اَبًا لِلْيَتِيمِ (یاور غریب؛ پدر یتیم): ایمان مؤمن ضمن نگهداری از صفای درونی و بیرونی او، عامل امنیت و کمک رسانی به دیگران نیز هست. ذکر کمک

۱. وقوف به معنای فهم، اطلاع و آشکار کردن چیزی است. وقف علی الامر: فهمه و تبینه. (لاروس، ص ۱۲۹۳).

۲. بخش مهمی از آموزه های اخلاقی در فرهنگ دینی، جنبه حمایتی و پیشگیرانه دارد و ذهن انسان را پیش از عمل، با آثار احتمالی آن درگیر می کند؛ مثلاً این جمله که: «حَبِّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ»، در واقع یک هشدار قبل از ورود به حوزه گرایش های دنیوی است. گویا این کلام، پیامی به قلب و ذهن انسان با ایمان مخابره می کند که مواظب باش دوستی دنیا (امری طبیعی) تو را از هدف اصلی باز ندارد.

۳. اشاره به آیه ۲۹ سوره اسراء که قاعده بخشش را، مراعات اعتدال اعلام می کند.

به شخص غریب در این فقره، از باب مصداق و نمونه است که انسان غریب نیاز شدید عاطفی دارد، و محبت به یتیم هم مصداق محبت از نوع حساس و ظریف آن است. جنبه حمایتی مؤمن از این دو گروه، نشانه دلواپسی او نسبت به موارد خاص و تأثیرگذار در سلامت بهداشت روانی جامعه است.

۲۲- بِشْرُهُ فِي وَجْهِهِ؛ ۲۳- وَ حُزْنُهُ فِي قَلْبِهِ (شادی آشکار؛ غم در درون): انسان مؤمن در تجمیع صفات متضاد درونی و بیرونی در رفتار و ذهن خود، به اعتدال می‌رسد و هرگز تسلیم افراط یا تفریط نمی‌شود. چهره او (به عنوان مهم‌ترین عضو ارتباطی انسان با دیگران)، بیشتر شاد و دل‌انگیز جلوه می‌کند و اندوهش همیشه پنهان و در اندرون اوست و حتی الامکان از انتقال آن به اطرافیان، خودداری می‌کند.

۲۴- مُتَبَشِّرًا بِفَقْرِهِ: ثروت واقعی مؤمن، نیازمندی به خداوند است که موجب بشارت و خرسندی او می‌شود؛ همان که رسول خدا ﷺ فرمود: «الفقر فخری»؛ یعنی نیازمندی مطلق بنده مؤمن به خداوند بی‌نیاز مطلق، موجب قوت دل و راهبری انسان به خیر و سعادت می‌شود و فقر مادی هم که بیشتر سبب آرزدگی انسان می‌شود (نه فقر از روی کاهلی و سستی)، به عامل بشارت تبدیل می‌گردد.

۲۵- أَحَلِي مِنَ الشَّهْدِ؛ ۲۶- وَأَصْلَدُ مِنَ الصَّلْدِ (خوش‌رو؛ با صلابت): خوش‌رویی و دیگر صفات یادشده، شخصیت مؤمن را جذاب می‌کند و همچون عسل، برای ملاقات‌کنندگان با او شیرین و خوشایند می‌گرداند و با این حال، به هنگام ضرورت، او را از کوه سخت‌ترو نفوذناپذیرتر می‌نماید؛ چنان که تندبادهای زندگی نمی‌توانند جا به جایش کنند.

۲۷- لَا يَكْشِفُ سِرًّا؛ ۲۸- وَلَا يَهْتِكُ سِتْرًا (نگاهدار راز؛ پرده‌پوشی): انسان‌ها در پناه ایمان مؤمن به امنیت شخصیتی می‌رسند. زیرا او در یک روش پیشگیرانه، همواره از عزت و آبروی انسان‌ها حمایت می‌کند؛ نه راز کسی را افشا می‌کند و نه پرده‌داری می‌کند.

۱. احسانی، ابن ابی‌جمهور، عوالی اللئالی، ج ۴، ص ۱۲۵.

در روایت آمده: هر مؤمن هفتاد گناه کبیره برادر ایمانی خودش را پوشیده می‌دارد.^۱

۲۹- **لَطِيفَ الْحَرَكَاتِ (حرکات به هنجار):** اهتمام عملی مؤمن به هنجارهای رفتاری، یکی دیگر از نشانه‌های ایمان کامل است که موجب می‌شود حرکات و سکانات او چشم‌نواز و زیبا جلوه کند. مؤمن در همه حرکات اندامی و نگاه‌ها چنین است؛ به عنوان نمونه، در نگاهش خشم و اخم نیست؛ ناموزونی در زبان بدنش مشاهده نمی‌شود، با چشمانش کسی را کوچک نمی‌شمرد. در مقابل انسان خشن که دارای رفتاری تنفرآمیز است.

۳۰- **حُلُوَ الْمَشَاهِدَةِ (خوش رؤیت):** ویژگی‌هایی که تاکنون از ایمان و مؤمن کامل بیان شد، نتیجه‌اش این است که دیدن چنین انسانی شیرین لذت بخش است و موجب شادی دیگران می‌شود.

۳۱- **كثِيرَ الْعِبَادَةِ (عبادت فراوان):** مؤمن این همه صفا و صمیمیت، توفیق در خیررسانی، تعامل صادقانه با هم‌نوعان خود و سبب‌سازی برای آرامش آنان را، در پرتو عرفان و عبادت فراوان خداوند به دست آورده است و همه آنچه دارد، دست‌آورد تعامل قلب سلیم و ذهن پاک او با رفتارهای بیرونی اوست.

۳۲- **حَسَنَ الْوَقَارِ، لَيْتَنَ الْجَانِبِ (خوش وقار؛ نرم‌خو):** مؤمن ضمن مراقبت از شخصیت خود با متانت نیکو، هرگز گرفتار تندخویی نمی‌گردد. رفتار ملایم و نرم او، به دیگران اجازه می‌دهد تا در ارتباط با وی، به خود تردید و هراس راه ندهند؛ چون برای خود حریم کاذب و تخیلی نمی‌سازد.

۳۳- **طَوِيلَ الصَّمْتِ (سکوت طولانی):** حرف زدن برای انسان، از کارهای کم‌هزینه، اما پرمیامد است. در فرهنگ دینی برای مدیریت ذهن و زبان، به صمت^۲ (سکوت طولانی) توصیه جدی شده است؛ یعنی فراهم کردن فرصت بهره‌وری بیشتر از قدرت ذهن و تفکر؛ برای تصمیم‌گیری مفید، ارائه اندیشه، سخن گفتن نیکو و هر کاری که نتایجی را به دنبال

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۲، ص ۲۰۷.

۲. صمت در لغت به معنای سکوت طولانی است. (لاروس، خلیل الجر، المعجم العربی الحدیث، واژه صمت).

دارد.

۳۴- حَلِيمًا إِذَا جُهِلَ عَلَيْهِ (مدارای عقلانی در برابر رفتار جاهلانه): قدرت ایمان سبب می‌شود تا مؤمن در برابر رفتارهای از روی نادانی، بردباری نشان دهد. اثرات تربیتی چنین نگرشی نسبت به طرف مقابل، محتمل الوقوع است. (اشاره به نمونه تاریخی آن، مواجهه امام حسن علیه السلام با مرد شامی). حلیم مؤمن در واقع فرصتی است برای خودیابی شخص جاهل تا به رفتار ناآگاهانه خود واقف شود.

۳۵- صَبُورًا عَلَىٰ مَنْ أَسَاءَ إِلَيْهِ (بردباری حکیمانه در برابر رفتار غیر مؤدبانه)

انسان بی‌ادب و کسی که به دیگران بدی می‌کند، چه بسا دارای نقص معرفتی بوده، به تذکر و کمک به تغییر نگرش نیاز دارد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وضعیت مؤمن را در مواجهه با کسی که به او بدی می‌کند، خویشتن‌داری توصیف می‌کند؛ زیرا در اصلاح فرد فاقد ادب، مؤثر است. بی‌گمان این صبوری، مدبرانه و هدفمند صورت می‌گیرد.

۳۶- يُبْجَلُ الْكَبِيرُ وَيَرْحَمُ الصَّغِيرُ (نکوداشت بزرگسالان؛ مهربانی با خردسالان)

رعایت مناسبات روان‌شناختی با گروه‌های مختلف انسانی، نشانه دیگری برای ایمان کامل است؛ از جمله بزرگداشت و حرمت نهادن نسبت به بزرگ‌ترها و حمایت از کوچک‌ترها، با مهربانی. این مؤلفه، از سازوکارهای ارتقای سلامت روانی و عاطفی خانواده و جامعه است.

۳۷- أَمِينًا عَلَى الْأَمَانَاتِ، بَعِيدًا مِنَ الْخِيَانَاتِ (امانت‌داری؛ پرهیز از خیانت)

اعتمادسازی در رفتار و بیگانه بودن با رفتار خائنانه، مؤمن را به درجه‌ای از کمال می‌رساند که همه درباره او به امانت‌داری حکم می‌کنند؛ این یعنی برخورداری از برترین امتیاز اجتماعی که می‌تواند الگوسازی نیز به همراه داشته باشد.

۱. «حلم» در لغت و با در نظر گرفتن تعدد معنایی آن، به معنای خویشتن‌داری و بردباری با منشأ عقلانی است. (همان، ص ۴۶۱).

۳۸- **إِلْفَةُ التَّقَى وَحِلْفَةُ الْحَيَاءِ (تَقْوَى پِيشَه ؛ هَم پِيمَان با حیا):** صفت اعتمادسازی در مؤمن با ایمان کامل، نتیجه یک فرایند درونی است که راه‌های پاک بودن و پاک زیستن را بر او هموار می‌کند؛ صفتی که در فرهنگ دین، تقوا نام دارد و سبب سازعفت و حیا هم می‌شود و گویا شخص مؤمن، با حیا صادقانه پیمان می‌بندد که هرگز هنجارشکنی نکند و پرده‌های پاکی را فرو نریزد.

۳۹- **كَثِيرُ الْحَدَرِ (صِيَانَتِ هوشمندانِه نفس):** دام شیطان درون و بیرون، پیوسته بر سر راه انسان گسترده است و فراوان اند کسانی که با ذهن‌های فاقد آگاهی و تن سپردن به خواسته‌های نفسانی، از هیچ بدی پرهیز نمی‌کنند؛ اما مؤمن کامل نه گرفتار دام می‌شود و نه دربند انگاره‌های نفسانی واقع می‌گردد؛ چون پیوسته نگاهبان نفس خویش است و این به معنای استفاده از روش پیشگیری در وقوع انحرافات می‌باشد.

۴۰- **قَلِيلُ الزَّلَلِ (لَعْرَشِ اندک):** وقتی ایمان (به عنوان سبک جامع زندگی) با پشتوانه معرفتی و منطقی شکل می‌گیرد و با همراهی عمل استحکام می‌یابد، میزان خطاهای انسان به حداقل می‌رسد. این صفت انسان مؤمن، بر اصالت ایمان او و کارآمدی آن در محاسبات زندگی و سبک متعالی آن، دلالت دارد.

۴۱- **حَرَكَاتُهُ آدَب (نَمَادِ ادب):** همه کنش‌های مؤمن، همچون راه رفتن، نگاه کردن، نشستن و برخاستن، اشاره کردن و خندیدن^۱، مؤدبانه و پندآموز است، موجب رنجش کسی نمی‌شود و حقوق دیگران را تضییع نمی‌کند.

۴۲- **و كَلَامُهُ عَجَب (سَخْنِ شِغْفِ انگیز):** سخن گفتن و کلام، از ویژگی‌های انسان است با کارکردهای گوناگون. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ کلام مؤمن را به شگفت‌انگیز بودن توصیف فرموده است؛ یعنی سخنی با پشتوانه دانش، معرفت، دوران‌دیشی و وساحت راهبردی و

۱. در الگوشناسی رفتاری در دین اسلام، از نظر ساختار و محتوا، ظرافت‌های دقیقی وجود دارد که می‌توان از آنها به قواعد اخلاقی یاد کرد. تبعیت از این قواعد، تأمین‌کننده آرامشی است که انسان امروزی برای آن تلاش می‌کند و گاه می‌جنگد؛ اما دریغ که نه ما (مسلمانان و مؤمنان) و نه دیگران، اراده‌ای برای عینیت بخشیدن به این قواعد نشان نمی‌دهیم!

راه‌گشایی، به گونه‌ای که شنونده‌اش را به تأمل و تدبّر وامی‌دارد.

۴۳- مُقِيلُ الْعَثْرَةِ (گذشت بی‌منت): ایمان کامل انسان را به خداوند پیوند می‌دهد و مؤمن به صفت الهی زیننده می‌گردد و در برابر خطاها و لغزش دیگران، بی‌منت و بدون مزد، به دیده اغماض می‌نگرد.

۴۴- وَلَا يَتَّبِعِ الْعَوْرَةَ (پرهیز از عیب‌یابی دیگران): آبروی دیگران نزد مؤمن ارزش الهی دارد و هرگز در جست‌وجوی عیوب و پنهان شده‌های افراد، بی‌تابی نمی‌کند!

۴۵- وَقَوْراً صَبوراً (صاحب بزرگی‌ها و بردباری): از نشانه‌های ایمان کامل، وقار و صبوری است؛ یعنی دو ویژگی که از شخصیت مؤمن در موارد حساس مراقبت می‌کند؛ در جایی که لازم باشد او بر مرکب صبر سوار می‌شود؛ مرکبی که هرگز صاحبش را به زمین نمی‌زند.^۲

۴۶- رَضِيّاً شَكُوراً (رضایتمندی): ایمان کامل به انسان احساس رضایتمندی می‌بخشد. مؤمن همواره به امور زندگی و مسائل پیرامونی آن نگاه مثبت (سپاسگزاری) دارد. با این روش، بسیاری از اندوه‌های موهوم و خیالی را از دوش خود برمی‌دارد. او در پرتو حسن‌ظن کامل به ذات باری تعالی، همه پدیده‌های این جهان را نیکومی‌نگرد.

۴۷- قَلِيلَ الْكَلَامِ، صَدُوقَ اللِّسَانِ (کم سخنی و صداقت): کسی که سنجیده حرف می‌زند، فرصت کافی برای راست گفتن و به حق گفتن دارد. کم سخنی مؤمن (به اصطلاح علمای منطق) کمی نیست، بلکه کیفی است؛ یعنی سخن گفتن او حساب شده و از روی معرفت‌افزایی است.

۴۸- بَرّاً مَصُوناً حَلِيماً (نیکو روش و بزرگواری): نیکوکاری مؤمن، برآیند باور او به جایگاه انسان است که مخلوق برتر می‌باشد؛ پس خیرخواه دیگران است و می‌کوشد همه در مسیر بندگی خداوند قرار گیرند. او همواره غضب خود را کنترل می‌کند تا بیشتر از حلم خود استفاده نماید.

۱. در دعاها می‌خوانیم: «یا مقیل العثرات»؛ این تعبیر استعاره‌ای است که گویا بنده در معامله با خداوند به سبب انجام گناه متضرر شده، می‌خواهد اقاله نماید.

۲. الصبر مطیة لا تکبو بصاحبها، مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۹۶.

۴۹- رَفِيقًا عَفِيفًا، شَرِيفًا (سازگاری و پاکدامنی): مؤمن ضمن پابندی به اصول، با مردم به مدارا رفتاری می‌کند؛ چشم‌پوشی دارد؛ در معاشرت با انسان‌ها، بهانه‌گیر نیست.

۵۰- لَالَعَانٌ وَلَا كَذَابٌ (پرهیز از بد زبانی و دروغ): زبان مؤمن کامل، در اختیار اوست؛ بی‌جهت بر کسی لعن نمی‌فرستد و از دروغ به شدت پرهیز می‌کند.

۵۱- وَلَا مُغْتَابٌ وَلَا سَبَابٌ (پرهیز از غیبت و ناسزا): روایات مربوط به مذمت غیبت، خاستگاه این عمل غیراخلاقی را اوج ناتوانی غیبت‌کننده می‌داند؛^۱ اما مؤمن چون توانمند است، در مقام غیبت هیچ کس بر نمی‌آید و به سبب برخورداری از منطق گفت‌وگو، کلمات زشت بر زبانش جاری نمی‌شود.

۵۲- وَلَا حَسُوْدٌ وَلَا بَخِيْلٌ (دوری از حسادت و بخل): هریک از حالات نا به هنجار درونی، مانند حسادت و بخل، بیشتر صاحب آن را رنج می‌دهد. این دو خصلت بد، راه خیررسانی را بر انسان می‌بندد. پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ کسی را که امید به خیر در رفتارش نرود، از بدترین مردم دانسته است.^۲

۵۳- هَشَاشًا بَشَاشًا (نشاط و شادابی): پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در ظاهرشناسی انسان مؤمن، او را نرم‌خو و آسان‌گیر معرفی می‌کند و زبان‌چهره او را به شادکامی و گشاده‌رویی توصیف می‌نماید. این دو صفت در واقع، عامل ارتباط مشفقانه با مؤمن است و دعوت‌کننده به تعامل و یک‌رنگی با او می‌باشد.

۵۴- لَا حَسَّاسٌ وَلَا جَسَّاسٌ (دوری از ورود به حوزه شخصی دیگران): پاک رفتاری در ذات مؤمن کامل، او را (به‌رغم علاقه‌مندی به ارتباط با دیگران) از حيله و ورود به حریم خصوصی افراد باز می‌دارد، مداخله‌گری‌اش را کنترل می‌کند و جانب حقوق شخصی را رعایت می‌نماید.^۴

۱. الغيبة جهد العاجز... مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۲۶۲.

۲. ... الا انبئکم بشر من ذلک؟ من لایرجی خیره... مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۱۳۰.

۳. الحس: الشر- الحيلة؛ الدكتور خلیل الجبر، لاروس، المعجم العربی الحدیث، ص ۴۴۶.

۴. نگارنده موضوع تجسس را از منظر الزام اخلاقی آن در مقاله‌ای با نام «الزام اخلاقی به پرهیز از تجسس در

۵۵- **يَطْلُبُ مِنَ الامورِ اعلاها (تعالی خواه در کارها):** ساحتِ زندگی ایمانی، مؤمن را در همه ابعاد و شاخص ها، به بهترین شرایطِ مترقیانه تشویق می کند و کوتاه بینی و روزمزی را بر او روا نمی داند؛ از جمله در عرصه های اخلاق، دانش، دیانت، عدالت، قانون گرایي و نظم اجتماعی برای دستیابی به برترین و بالاترین مراتب آن می کوشد.

۵۶- **ومن الاخلاقِ اَسناها (در اوج اخلاق):** در فرهنگ دینی، اخلاق و ایمان، عینیت ذاتی دارند و هر یک بدون دیگری، فرض وجودی ندارند. مؤمن برای اکمال ایمان خود، برای کسب بهترین فضیلت های اخلاقی تلاش می کند.

۵۷- **مَشْمُولاً بحَفِظِ الله (در پناه لطف الهی):** ایمان کمال یافته مؤمن دوسویه متفاوت دارد؛ از یک سو سبب امنیت برای دیگران است و از سوی دیگر، خود مؤمن به سبب دارا بودن حدّ اعلاي توکل و اعتماد به پروردگار، همیشه و همه جا، خودش را در پناه حق می داند.

۵۸- **مُؤَيِّداً بتوفيقِ الله (برخوردار از تأیید الهی):** مؤمن از مصادیق کسانی است که خداوند آنان را در قرآن برخوردار از تأییدات الهی معرفی می کند؛ از قبیل رزق کریم، مغفرت، معامله با خداوند، نصرت و بالاخره پاداش های معنوی و مادی.

۵۹- **ذاقوّة في لين (نرمش در توانایی):** مؤمن در دستیابی به صفات متضاد و مدیریت آنها، همواره موفق است؛ از جمله، نرمش داشتن به رغم برخورداری از توانایی و منطق قوی. از این رو هرگز حمایت از دیانت، او را به خشونت نمی کشاند.

۶۰- **و عَزْمَةٍ في يقين (صاحب اراده یقینی):** کارهای بزرگ در جامعه بشری در پرتو اراده های بزرگ شکل می گیرد. این نوع اراده در شخص مؤمن، در حد اعلاي آن است؛ همراه با بالاترین ادراک ذهنی؛ یعنی یقین که خود یکی از پایه های ایمان است.^۱

→ در امور دیگران « بررسی و مورد تحلیل کرده است. بنگرید به: نشریه علمی - ترویجی مشکوة، ش ۱۲۱، زمستان ۱۳۹۲.

۱. طباطبایی (علامه)، محمد حسین، **المیزان فی تفسیر القرآن**، ج ۲، ص ۲۸۴: یقین هو اشتداد الادراک الذهنی بحیث لا یقبل الزوال والوهن.

۶۱- لایحیف علی من یبغض (پرهیز از ستم در موقعیت بغض): ایمان کامل، ذهن و عمل مؤمن را وارسته می‌کند، حتی اگر مربوط به کسی باشد که به علتی مورد بغض مؤمن قرار گیرد؛ چون گنش‌های مؤمن، معطوف به معرفتِ او از انسان است. او به خوبی می‌داند که بدی پدیده‌ای است که بر ذات و عمل آدمی عارض می‌شود؛ پس راه اصلاحِ شخص منحرف، مقابله به مثل نیست.

۶۲- ولایاتم فی من یحبُّ (رعایت حریم شریعت در دوستی‌ها): رابطه دوستی، منطقی ایمانی مؤمن را مخدوش نمی‌کند و او را به گناه نمی‌کشاند؛ کاری بسیار گران سنگ و دشوار (والبته با دریافت خشنودی خداوند و مؤثر در فرهنگ‌سازی)، که فقط از انسان‌های ممتاز بر می‌آید؛ رفتاری که نقش الگوسازی نیز دارد.

۶۳- صبوراً فی الشدائد (شکیبایی در سختی‌ها): صبوری که در واقع تحمل حکیمانه یک حادثه و اتفاق ناگوار است، در فرایند رفتار مؤمنانه، مؤلفه کلیدی است که قفل بسیاری از مسائل زندگی را می‌گشاید.

۶۴- لایجور و لایعتدی (پرهیز از تبعیض و تجاوز از حریم حق خواهی): پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در توصیف جامع فرد کامل الایمان، می‌فرماید مؤمن از جور و تعدی پرهیز دارد. جور؛ یعنی اقدام تبعیض‌گونه در دادن حقوق دیگران و تعدی؛ یعنی عبور از حقوق ضایع شده به هنگام بازپس گرفتن و جبران حقوق شخصی؛ رفتارهایی که مؤمن از آنها دور است.

۶۵- ولایاتی بما یشتهی (پرهیز از پیروی هوای نفس): خاستگاه بسیاری از انحرافات، پاسخ به خواهش‌های پایان‌ناپذیر نفسانی است؛ یعنی انسان با تصور یک خواسته، بلافاصله برای رسیدن به آن اقدام می‌کند. عامل بازدارندگی و پیشگیری از چنین پیامدهایی، تنها ایمان کامل و حقیقی است و البته کدها و روش‌های آن در متون دینی - روایی، با همه ظرافت‌های آن تبیین شده است.

۶۶- الفقرُ شعاره (پرهیز از فخر فروشی): بزرگ‌روحي انسان، او را از فخر فروشی باز می

→ ۱. امام علی علیه السلام می‌فرماید: ایمان با چهار عامل تقویت می‌شود: صبر، یقین، عدل و جهاد. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۲، ص ۵.

دارد؛ پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با تعبیر کنایه‌ای، نیاز ذاتی به خداوند را برای مؤمن چون جامه زیرین می‌داند؛ یعنی مبنای آگاهی ذهنی او، وابستگی مطلق به حق تعالی است؛ بنابراین داشتن و نداشتن‌های مادی، هدف اصلی مؤمن نیست. این یعنی رسیدن به یک زهد حقیقی^۱.

۶۷- الصُّبْرُ دُثْرَةٌ (شکیبایی؛ پوشش زبرین): رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در مفهوم‌شناسی صبر در رابطه با ایمان، آن را عامل پایداری مؤمن می‌داند و با یک وجه تمثیلی، پوشش زبرین او را در برابر حوادث و رخدادهای زندگی، پایداری بیان می‌کند.

۶۸- قَلِيلَ الْمَوْنَةِ (کم هزینه): به رغم اهتمام مؤمن نسبت به امور دیگران، پرداختن به منافع خودش، در پایین‌ترین سطح قرار دارد و کمترین زحمت را برای دیگران فراهم می‌کند و در دایره تشریفات و توقع افراطی از غیر خود، ورود نمی‌کند.

۶۹- كَثِيرَ الْمَعُونَةِ (یاری فراوان): مؤمن در عرصه یاری رساندن و زدودن رنگِ غم و اندوه از چهره نیازمندان و هرآنچه مصداق همیاری و گره‌گشایی است، بیش‌ترین فراوانی را دارد.

۷۰- كَثِيرَ الصِّيَامِ؛ ۷۱- طَوِيلَ الْقِيَامِ؛ ۷۲- قَلِيلَ الْمَنَامِ: پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در ادامه، به چند نشانه و عمل اشاره می‌فرماید که وجه عبادت فردی دارند؛ روزه فراوان، عبادت‌های طولانی به منظور دریافت‌های معنوی که مؤمن را در مواجهه با ناامیدی‌ها، وسوسه‌ها و عوامل انحرافی، حمایت می‌کند و نیز کم خوابیدن برای به دست آوردن فرصت‌های بیشتر برای زندگی و بهره‌وری از حکمت آفرینش.

۷۳- قَلْبُهُ تَقَى؛ ۷۴- وَعِلْمُهُ رُكْبَى (تقوای قلب؛ دانش بالنده): تقوا و عامل بازدارندگی از وقوع در انحراف، در بهترین مرکز وجودی مؤمن یعنی قلب او نهادینه شده است؛ پس، میل‌ها و گرایش‌های او، افسارگسیخته نیست. دانشی نیز که در چنین قلبی جای می‌گیرد، بالنده و پاک است و به عامل خطر تبدیل نمی‌شود.

۱. برای اطلاع بیشتر مراجعه شود: ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۳، ص ۲۶۶.

۷۵- إِذَا قَدَّرَ عَفَا؛ ۷۶- إِذَا وَعَدَ وَفَى (بخشش در قدرت؛ تعهد در پیمان): درایت مؤمن، کنش‌های رفتاری او را مدیریت می‌کند. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حالت مؤمن را در دو مقوله قدرت و تعهد، در انسانی‌ترین شکل آن بدین‌گونه بیان می‌کند: گذشت در عین توانایی؛ و وفاداری به پیمان.

۷۷- يَصُومُ رَغْبًا؛ ۷۸- يُصَلِّي رَهْبًا (روزه مشتاقانه؛ نماز خائفانه): انجام دو عبادت روزه و نماز با دو وجه رغبت و خوف، توسط انسان مؤمن، برخالصانه بودن عمل دلالت می‌کند. چه بسا کسانی روزه می‌گیرند، اما بدون رغبت درونی و نماز می‌خوانند نه از روی خوف درونی؛ اینان قطعاً به آثار و بازخورد این دو عبادت مهم پی نبرده‌اند.

۷۹- وَيُحْسِنُ فِي عَمَلِهِ كَأَنَّهُ نَاطِرٌ عَلَيْهِ (نکویی در عمل): در سامانه روایات اسلامی، یکی از برجستگی‌های انسان مؤمن، حسن و اتقان در عمل به صورت مطلق آن است که از مهم‌ترین سازوکارهای سعادت و شرافتمندی یک جامعه است. این مؤلفه در رفتار مؤمن واقعی وجود دارد.

۸۰- عَصَّ الطَّرْفِ؛ ۸۱- سَخَى الكَفِّ (چشم‌پوشی؛ گشاده‌دستی): پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با دو تعبیر کنایه‌ای، مؤمن را به چشم‌پوشی از بدی دیگران و آنچه زیننده او نیست و گشاده‌دستی توصیف می‌کند. دو نشانه با دو کارکرد متفاوت؛ یکی مربوط به باطن او و دیگری در حوزه تعاملاتش با اطرافیان.

۸۲- لَا يَرِدُ سَائِلًا؛ ۸۳- لَا يَبْخُلُ بِنَائِلٍ؛ ۸۴- متواصلاً الى الاخوان و ۸۵- مترادفاً الى الاحسان: پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شماری از صفات را به عنوان نشانه ایمان کامل ذکر می‌فرماید که همگی بر توجه جدی مؤمن به روحیه جمع‌گرایی تأکید دارند. این رویکرد نه از باب ضرورت، بلکه برگرفته از فطرت ایمانی است که برای هریک از آنها ثواب‌های معنوی (جدا از پاداش‌های) در نظر گرفته شده است. رد نکردن سائل و نیازمند، بخل نوززیدن، تعلق خاطر به برادران دینی و نیکوکاری مستمر، از نشانه‌های رفتار مطلوب

۱. الرهبة: الخوف والفرع، ابن اثير، النهاية في غريب الحديث والاثار، ج ۲، ص ۲۸۰.

اجتماعی است که اقتضای ایمان واقعی می‌باشد.

۸۶- یَزِنُ كَلَامَهُ؛ ۸۷- وَيُخْرِسُ لِسَانَهُ؛ (سنجیده سخن گفتن): وزن در کلام؛ یعنی سنجش در سخن و رعایت مهارت کلامی و زبانی برای گفتن کلام مفید و ثمربخش (اینکه چه بگوییم، چه وقت بگوییم، چگونه بگوییم). بدون تردید، منشأ بسیاری از اتفاقات و ناگواری افراد، در زندگی ما، سخن یا سخن‌هایی است که نباید گفته می‌شد.

۸۸- لَا يَغْرَقُ فِي بُغْضِهِ؛ ۸۹- وَلَا يَهْلِكُ فِي حُبِّهِ؛

۹۰- لَا يَقْبَلُ الْبَاطِلَ مِنْ صَدِيقِهِ؛ ۹۱- وَلَا يَرُدُّ الْحَقَّ عَلَى عَدُوِّهِ (ایمان؛ معیار تشخیص حق و باطل): ظرفیت ایمان کامل، با دو صفت ویژه، این‌گونه بیان شده است؛ نپذیرفتن باطل حتی در محدوده نزدیک‌ترین رابطه صمیمی؛ و پذیرفتن حق در خشن‌ترین رابطه، یعنی دشمنی! این سخنی است که ما تنها می‌گوییم و می‌شنویم؛ اما اقدام به آن، اراده‌ای قوی می‌طلبد.

۹۲- وَلَا يَتَعَلَّمُ إِلَّا لِيَعْلَمَ؛ ۹۳- وَلَا يَعْلَمُ إِلَّا لِيَعْمَلَ (علم برای عمل): کوشش‌های علمی مؤمن در یک فرایند هدفمند عمل‌گرایانه شکل می‌گیرد. او علم می‌آموزد، تا نسبت خود را با خدا، آفریده‌های خدا و نفس خویش بشناسد؛ و پس از کسب معرفت، آنها را به کار بندد.

۹۴- قَلِيلًا حَقْدُهُ؛ ۹۵- كَثِيرًا شُكْرُهُ: ذات انسان مؤمن از صفات درونی آزار دهنده، به دور است. تلاش او همواره معطوف به خیرخواهی برای دیگران است. او هرگز بار روانی کینه کسی را بردوش نمی‌گیرد و متقابلاً سعی می‌کند حس شکرگزاری را در درون خود افزایش دهد.

۹۶- يَطْلُبُ النَّهَارَ مَعِيشَتَهُ؛ ۹۷- وَيَبْكِي اللَّيْلَ عَلَى خَطِيئَتِهِ: مدیریت تأمین هزینه زندگی، نشانه دیگری است که انسان مؤمن به صورت پیوسته به آن اهتمام می‌ورزد. او از فرصت روز برای تأمین معیشت بهره می‌برد و برای اینکه جذابیت‌ها و لذت‌رابطه‌های

۱. به ردیف‌های ۶۱ و ۶۲ مراجعه شود.

۲. «حقد»؛ یعنی نگهداری دشمنی کسی در دل، برای انتقام‌جویی (لاروس، ص ۴۵۶).

دنیایی او را از یاد خدا غافل نکند، شب هنگام در رابطه معنوی خود، با قطرات اشک عارفانه، از فرونشستن زنگارهای احتمالی در دلش، پیشگیری می‌کند.

۹۸- **إِنْ سَلَكَ مَعَ أَهْلِ الدُّنْيَا، كَانُوا أَكْبَسَهُمْ؛ ۹۹- وَإِنْ سَلَكَ مَعَ أَهْلِ الْآخِرَةِ، كَانُوا أَوْعَهُمْ** (رابطه دنیایی و دینی): در بیان حکیمانه نبوی نشانه‌های مؤمن، متوازن است؛ یعنی رفتار او نسبت به دین و دنیا، تعدیل شده است. وقتی در موقعیت امور دنیایی قرار می‌گیرد، زیرک‌ترین آن‌هاست؛ یعنی دارای حُسنِ دقت در امور دنیوی (با رعایت موازین شرعی - انسانی)؛ و در کارهای دینی، با ورع‌ترین است.

۱۰۰- **لَا يَرْضَىٰ فِي كَسْبِهِ بِشَبْهَةٍ؛ ۱۰۱- وَلَا يَعْمَلُ فِي دِينِهِ بِرُخْصَةٍ** (دوری از درآمدِ شبهه‌ناک و سهل‌انگاری در دین): مبتنی بر صفت پیشین، پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ انسان مؤمن را در کسب و کار، به خصلتِ پرهیز از موارد مسئله‌دار توصیف می‌کند، پس هر آنچه برای به دست آورده درآمد مشروع انجام می‌دهد، با شریعت انطباق دارد و در وجهِ گُنش‌های دینی، هرگز در امور غیر شرعی، به توجیهات متوسل نمی‌شود.

۱۰۲- **يَعْطِفُ عَلَىٰ آخِيهِ بِرُزْنَتِهِ؛ ۱۰۳- وَيُرْعَىٰ مَا مَضَىٰ مِنْ قَدِيمِ صُحْبَتِهِ؛** و سرانجام سعه صدر و منش عالی، به مؤمن اجازه نمی‌دهد خطا و لغزش‌های هم‌نوع و هم‌کیش خود را بهانه‌ای برای هتک حرمت او قرار دهد؛ چنان که حق دوستی قدیم را می‌شناسد و آن را مغتنم می‌شمارد و به این امر خشنود است.

نتیجه

۱. ایمان یک مقوله صرفاً انتزاعی و ذهنی نیست، بلکه محرک عمل است، چنان که در بستر عمل کمال پیدا می‌کند.
۲. ایمان از نوع کمال یافته آن، مهم‌ترین عامل حمایتی نسبت به سعادت فرد و جامعه است.
۳. انسان مؤمن و گروه مؤمنان رستگار، بیش از همه در تعالی، اصلاح و بهره‌وری جامعه تأثیر گذاری دارند.
۴. فضای امن و آرامش به وجود آمده در پرتو ایمان به خداوند، ماندگار است.

۵. ایمان رابطه‌ای حقیقی با تعالی اخلاق اجتماعی دارد.
۶. مومن بیشترین نقش را در گنش وحدت‌گرایانه اجتماعی دارد.
۷. ایمان و اخلاق، دو عامل کلیدی در شکل‌گیری امنیت فردی و اجتماعی است.
۸. از منظر رفتارشناسی، بیشترین همسازی‌ها، در عملکرد انسان مؤمن است؛ زیرا همه اجزای رفتار و کردارش به قاعده و همسوست.
۹. در رفتارشناسی ذهنی و عملی انسان مؤمن، یک فرایند احتیاط و پیشگیری نسبت به امور تهدید کننده و انحراف‌زا وجود دارد که موجب سلامت دینی و اخلاقی است و همواره فعال است؛ یعنی اولویت رعایت پیشگیری نسبت به درمان ناهنجاری‌ها.
۱۰. عمل مؤمن در عرصه‌های مختلف، نمادهایی را می‌ماند که می‌تواند نشانه‌هایی را از سبک یک زندگی معنادار، در جامعه منتشر کند.
۱۱. و اینکه همه صفات یاد شده از یک هم پوشانی و معاضدت نسبت به هم برخوردار هستند و در کارایی دیگری تأثیر گذارند.

منابع

۱. قرآن.
۲. نهج البلاغه، ترجمه سید جعفر شهیدی، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۶۸ ش.
۳. ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۴ ق.
۴. ابن اثیر، النهاية فی غریب الحدیث والاثیر، مؤسسه اسماعیلیان، قم، چاپ چهارم، ۱۳۶۴ ش.
۵. احسائی، ابن ابی‌جمهور، عوالی اللالی، تحقیق السید مرعشی و مجتبی عراقی، قم، ۱۴۰۳ ق.
۶. جبران مسعود، فرهنگ رائد الطلاب، ترجمه عبد الستار قمری، مؤسسه انتشارات یادواره کتاب، تهران، ۱۳۷۹ ش.
۷. الدكتور خلیل الجُر، لاروس المعجم العربی الحدیث، مکتبه لاروس، بی‌تا.
۸. دیلمی، شیرویه، الفردوس بمأثور الخطاب، دارالکتاب العلمیه، بیروت، ۱۴۰۶ ق.
۹. صادقی امینی، محسن، «تحلیلی بر تحرک کنش با رویکرد مقایسه‌ای بین دیدگاه‌های جامعه‌شناسان غربی و اسلام»، معرفت فرهنگی، سال سوم، ش ۲، بهار ۱۳۹۱ ش.
۱۰. طاهری وحدتی، حسین، «الزام اخلاقی به پرهیز از تجسس در امور دیگران»، نشریه

- مشکوه، ش ۱۲۱، زمستان ۱۳۹۲ ش.
۱۱. طباطبایی، محمد حسین (علامه)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۱۷ ق.
۱۲. طریحی، مجمع البحرین، مرتضوی، تهران، چاپ دوم، ۱۳۶۲ ش.
۱۳. قائمی نیا، علیرضا، *بیولوژی نص* (نشانه شناسی و تفسیر قرآن)، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، ۱۳۸۹ ش.
۱۴. کاشانی، محمد بن مرتضی، *المحجة البيضاء فی تهذیب الاحیاء*، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ دوم، بی تا
۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب، *اصول کافی*، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۵ ش.
۱۶. مجلسی، محمد باقر، *بحار الانوار*، مؤسسه الوفا، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق.